

شِرق: چند هفته‌ای است که وزارت خارجه دولت جدید بحث بازگشت مهاجران و ایرانیان خارج از کشور به وطن را مطرح کرده و با معرفی سامانه و وعده‌های مختلف، به دنبال اقناع ایرانیان رفته است تا به خانه بیایند. اما موضوع به این سادگی نیست و سابقه‌ها و چالش‌های مختلفی که در این

به موازات دغدغه مذاکرات هسته‌ای، موضوعی توجه برخی از اندیشمندان و جامعه را جلب کرده که می‌توان آن را درد مهاجرت نامید. عبارت عادی، «پدیده مهاجرت» است. اما در مورد مهاجرت‌های یکی دو سال اخیر، پیشوند درد و زخم را بیشتر می‌یسنم. به دو دلیل: اول اینکه بسیاری از درجه‌های کشور می‌روند. دوم اینکه درد و اسفا که بسیاری از مهاجرین و پناه‌جویان، در مانش، ازه و میدترانه، در ژرفای رؤیای آب‌ها به خواب رفته و از ما، کم می‌شوند.

یکی از نخبگانی که روی موضوع غم‌انگیز مهاجرت زوم کرده و نشان داده که از سر دردمندی و آینده‌اندیشی بدین موضوع نگریست، دکتر محسن رناتی، اقتصاددان بود که سخترانی مفصلی ارائه داد. در کنار این موضوع، شاهد سخن مهمی از رئیس‌جمهور بودیم که در سفر به قم، از طلاب حوزه، برای حل مشکلات کشور راهکار طلبید. یعنی فردی که در رأس قوه مجریه نشسته و از هم‌راهی تیم نخبگان و کارشناسان برخوردار است، از مدرسه و کانون نشر اندیشه دینی و فقهی، راه‌حل خواست. آیت‌الله شبیری‌زنجانی هم اعلام کرده که خود را اهل فن نظر‌دادن درباره جرح و تعدیل نمی‌داند و می‌تواند برای دولت دعا کند. چه ارتباط و نقطه مشترکی بین مشکلات کشور، مسئله مهاجرت، درخواست رئیس‌جمهور از حوزه و پاسخ آقایان رناتی و شبیری‌زنجانی، به چشم می‌خورد؟ پاسخ: مادام که اصل و اساس بحث و آبرُمسئله ما، آینده کشور باشد، اندیشیدین به سرنوشت ایران و ایرانی، نخ تسبیح این موضوعات می‌شود.

شاید ترسیم یک تابلوی فرضی، کار را آسان‌تر کند: باقری‌کنی، نه‌تنها به‌عنوان رئیس هیئت مذاکره‌کنندگان هسته‌ای، بلکه با اختیارات تام، ۲۴ساعته انگلیسی خود را قول کرده بدون واسطه و مترجم، با همه طرف‌های برجام و از جمله آمریکا، به نتایج بسیار طلایی رسیده و به کشور بازگشته است. پیش از رسیدن باقری به آسمان کن، تمام پول‌های ایران آزاد شده و تحریم‌ها از میان برخاسته‌اند. پرستی: در این صورت، مشکل کشور حل شده و مهاجرتی نیست تا رناتی را نگران کند و رئیس هم کار خود و دولتش را روان و بر غلتک افتاده خواهد

قصه مهاجرت، داستان بازگشت

زمینه وجود داشته، اولین چیزی است که با مطرح‌شدن داستان بازگشت به آذهان می‌رسد. درواقع تأکدهای مکرر مقامات، خود‌گویای این نکته است که راه بازگشت، راه صاف و ساده‌ای نیست. از سوی دیگر، این بحث در شرایطی مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد سمت‌دیکر این جاده به‌مراتب شلوغ‌تر است

زخم مهاجرت

محمدعلی دستمالی - کارشناس مسائل بین‌الملل



رناتی قائل به سه بخش و فاز مهم زندگی افراد است و معیشت، منزلت و فضیلت را سه بُعد و روند زیست افراد می‌داند. او مهاجرت را درهم‌کوبنده و برهم‌زننده این سه فاز می‌داند. می‌گوید: فردی که در ایران، فصل دغدغه‌های معیشتی خود را سپری کرده و به منزلت دست یافته، وارد مرحله‌ای می‌شود که برای کسب فضیلت نیز فضا و امکان پیدا می‌کند. اما اگر در مسیر مهاجرت بیفتد، باید عقبگرد کند و مجدداً، از فاز نخست، یعنی از معیشت آغاز کند، سپس به سختی منزلت برسد و بعد از آن، اگر عمرش پایدار بماند، یک بار دیگر به فضیلت‌اندوزی نیز نائل آید. در نتیجه، مهاجرت، تخریب و تباهی به بار آورده و او را از رشد بازمی‌دارد. اما برای فردی که دغدغه معیشت دارد، مهاجرت گامی و تا حدودی می‌تواند یاری‌دهنده باشد. با این حال، فقط مشکل معیشت او حل می‌شود ولی به خدمت یک سیستم و نظم آهنبین درآمده و «خسته» می‌شود. معتقدم که بنای این فرضیات استاد رناتی، بر یک خطای شناختی جدی، استوار است، چراکه از فحوای سخنانش چنین برمی‌آید که اساساً، هر سه فاز فرضی و توصیفی مورد اشاره را، به مثابه روندی به دنبال هم، تجسم می‌کند. ولی این تصور غلط است و اتفاقاً نه تنها می‌تواند هم‌زمان با هم اتفاق بیفتد، بلکه الزامی در نظم و توالی آنها وجود ندارد. فرد می‌تواند در همان نظام

دیپلماسی

وقصه‌های مهاجرت روزه‌روز از سمت‌وسوی گروه‌های بیشتر و با دلایل تازه‌تر مطرح می‌شود؛ تا جایی که بسیاری از مرحله‌نگرانی برای ازدست‌رفتن نخبگان به مرحله هراس، ازدست‌رفتن شهروندان جوان و دغدغه‌مند، ازدست‌رفتن نیروی کار و تصویر نامطلوبی در مقابل نسل‌نژادگشاخته که برای

بسیاری، رفتن را یکی از مراحل جولورفتن در زندگی تعریف کرده است. قصد داریم در چند قسمت از زاویه‌های مختلف گامی به این بحث داشته باشیم. امروز، محمدعلی دستمالی، کارشناس مسائل بین‌الملل، یادداشتی دراین‌باره به رشته تحریر در آورده است که در ادامه می‌خوانید.

نداشتیم. اما حالا همین مردم، می‌بینند و شاهد هستند که در اروپا، حتی یک نگهبان ساده هم، می‌تواند در کنار زندگی سالم، از امکان سفر و تفریح و بهداشت و تأمین اجتماعی مطلوب، برخوردار باشد. جهان ما به‌شدت دگرگون شده و بی‌زن ۸۰ساله‌ای در مریوان کردستان، با دخترش که ساکن تهران و دو خواهرزاده‌اش که یکی در تروژ و آن یکی در یوتوبوری هستند، روی گوشی تلفن کنفرانس هم‌زمان تصویری دارند و در مورد معیشت، اختلاط می‌کنند. مادر با مستمری چهار میلیون تومانی، قدرت خرید محدودی دارد و چیزی نمی‌ماند برای درمان و تفریح و سفر. دختر ساکن تهران، وضع بدتری دارد. اما دو خواهر نوزن‌نشین و سوئد‌نشین، چندین بار مصر و پرتغال و مراکش و ترکیه رفته‌اند و پولی هم به ایران فرستاده‌اند تا برایشان دو واحد آپارتمان خریداری شود! وضعیت معیشت در ایران، هیچ‌گاه خوب نبوده و همواره با شیبی گاه ملایم و گاه تند، بدتر و بدتر شده است. پیش از انقلاب نیز به‌طور عام و گسترده – گذشته از یک دوران کوتاه و فشرده دلار نفتی پهلوی دوم– حتی معیشت طبقه متوسط نیز، توأم با رفاه نبوده است. از همان دوران قاجار، یعنی دورانی که اندیشه تجددگرایی، در ایران نیز پا گرفت و نهادها و ادارات سرس برآوردند، میزان حقوق و مواجب کارمندان دولت، بسیار ناچیز و مصداق دقیق آب باریکه بوده و هست. شاید این فقط از سر محدودیت منابع مالی نبوده و مبتنی بر یک دیدگاه «نوکریبینی مواجب‌بگیران» بوده است! آنگه تنها کارمند، نظامی و معلم، بلکه استادان دانشگاه و مسئولان عالی‌رتبه نیز، حقوق و مواجب بالا ندارند. (داریم از دریافتی قانونی حرف می‌زنیم و نه رانت). بگذرید از آقای رناتی سؤال کنیم: شما که استادتمام هستید، در ماه تمام مشکلات، گرفتار خشک‌سالی مکرر و مدیریت غلط آب و کشاورزی شده و سال به سال، از آب و نیروی انسانی، تهی‌تر می‌شود. پس باید در کنار موضوع هسته‌ای، به این واقعیت بیندیشیم که با این معیشت دشوار، این تبعیض آشکار در استخدام و مالیات تحت عناوین مختلف و امتیاز دانشگاه و فلان و بهمان و خاصه‌خرجی‌های دستگاه‌های بودجه‌خوار و شگرفی که کسی نمی‌داند فایده‌اشان چیست، به امروز و فردای این بسوم و این مردمان، لطمات بزرگ‌تری وارد می‌شود.

توضیح سخنگوی وزارت خارجه درباره روند مذاکرات وین

غرب عقب‌نشینی کرد، نه ایران

و روسیه در مذاکرات وین به دنبال چه چیزی هستند، تصریح کرد: «من فکر می‌کنم جواب این سؤال روشن است، چین و روسیه برخلاف تروئیکای اروپایی چهار آلزایم هستند و می‌دانند که این آمریکایی‌ها بودند که فعالانه تلاش کردند برجام را از بین ببرند و فشار آوردند که کسی به برجام متعهد نماند و در همین چارچوب کمپانی‌ها را برای عدم فعالیت و حضور در بازار ایران تحت فشار قرار دادند و امروز در حالی در وین است که هیچ‌یک از این سیاست‌ها را عوض نکرده است.»

پیام شفاهی با آمریکا ردوبدل نشده است

خطیب‌زاده همچنین به سوآلی درباره بازه پاسخ داد که طبق برخی از اخبار منتشرشده ایران از اوایلوف، نماینده روسیه در مذاکرات وین، درخواست کرده که با رابرت مالی گفت‌وگو کند و یک‌سری اسناد مکتوب از طریق اوایلوف به آمریکایی‌ها داده شده است: «همان‌طور که پیش از این گفته‌ام مکانیسم گفت‌وگوها در وین بسیار روشن است.» او افزود: «چیزی به جز متن‌های مکتوب آن هم به‌صورت غیررسمی بین ایران و آمریکا ردوبدل نشده است که این نیز با مکانیسم روشنی صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه پیام شفاهی ردوبدل نشده است.»

«حواشی سازی» ماجرای عکس اولیانوف و مالی
خطیب‌زاده همچنین به سوآلی دیگری درباره انتقادات مربوط به عکس منتشرشده از گفت‌وگوی رابرت مالی، نماینده آمریکا در مذاکرات وین و اوایلانوف، نماینده روسیه، در این مذاکرات پاسخ داد؛ انتقاداتی که ازجمله مطرح می‌کردند که به نظر می‌رسد روس‌ها به جای ایران در حال مذاکره با آمریکا درباره منافع و خواسته‌های ایران هستند: «همان‌طور که پیش از این گفته‌ام سازوکارهایی که در وین برای گفت‌وگوها و مذاکرات پیگیری می‌شود، سازوکارهای مشخصی است و برخی به‌خاطر اینکه از متن نمی‌توانند خبرسازای خاصی بکنند، به دنبال حواشی‌سازی می‌روند و به مسکو در راستای دعوت آقای یوتیون انجام می‌شود. این یک سفر کاری است.» او ادامه داد: «دربارہ سند بالادستی بی در کشور نیز باید بگویم این سند بالادستی درخصوص تنظیم روابط راهبردی دو کشور وجود دارد و به صورت خودکار در حال تمدید است و آنچه بین مقامات دو کشور در حال گفت‌وگو است، سند جامع است و اگر برسد در این سفر احتمالاً کار درمورد آن انجام می‌شود.»

چین و روسیه می‌دانند که آمریکا علیه برجام تلاش کرد

سخنگوی وزارت خارجه تصریح کرد: «همکاری

شرق: در نشست خبری دیروز سخنگوی وزارت خارجه نیز بخش مهمی از سوآلات درباره اتفاقات و تعاملات مربوط به مذاکرات احیای برجام بود. سعید خطیب‌زاده در این نشست همچنین درباره ادعای عقب‌نشینی ایران از مواضعش در گفت‌وگوهای وین، ماجرای ضرب‌الاجل و نیز اخبار مربوط به سفر رئیس دولت سیزدهم به روسیه توضیحاتی ارائه داد.

طرف غربی فهمید باید عقب‌نشینی کند

سخنگوی وزارت خارجه به سوآلی درباره برخی اخبار و ادعاها پاسخ داد، مبنی بر اینکه ایران از برخی از مواضعش در وین عقب‌نشینی کرده است: «اگر امروز به متن مشترکی رسیده‌ایم، به خاطر این است که طرف غربی پی برد که باید از درخواست‌های حداکثری خود عقب‌نشینی کند و آنچه امروز داریم، عقب‌نشینی یا به عبارتی دیگر واقع‌بینی طرف‌های غربی است که متوجه شدند که نمی‌توانند خواسته‌های فراتر از برجام در موضوع هسته‌ای داشته باشند و کمتر از برجام نیز نمی‌توانند درخصوص اجرای تعهدات خود عمل کنند.» سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین درمورد ادعای ضرب‌الاجل‌های طرف غربی در مذاکرات وین، تصریح کرد: «ما هیچ ضرب‌الاجل ساختگی را نمی‌پذیریم و امیدواریم کسانی که این ضرب‌الاجل‌های ساختگی را برای مطرح می‌کنند، خودشان این مسائل باورشان شود و برای رسیدن به یک توافق خوب به تهران بیایند.»

روابط ما با روسیه علیه یا عکس‌العمل به کسی نیست

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سوآلی درمورد سفر سعیدابراهیم رئیسی به روسیه گفت: «سفر آقای رئیسی به روسیه یک سفر مهم است. روابط دو کشور ایران و روسیه اصیل و راهبردی است و این سفر و همچنین روابط دو کشور نه علیه کسی و نه عکس‌العمل به کسی است؛ بلکه براساس اقتضانات طبیعی همسایگی و روابط دو‌کشور انجام می‌شود. او همچنین توضیح داد: «سفر آقای رئیسی به مسکو در راستای دعوت آقای یوتیون انجام می‌شود. این یک سفر کاری است.» او ادامه داد: «دربارہ سند بالادستی بی در کشور نیز باید بگویم این سند بالادستی درخصوص تنظیم روابط راهبردی دو کشور وجود دارد و به صورت خودکار در حال تمدید است و آنچه بین مقامات دو کشور در حال گفت‌وگو است، سند جامع است و اگر برسد در این سفر احتمالاً کار

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت راکز رنگ قرمز زرشکی مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ایران ۷۶۹- ۲۸۵۴۷ و شماره موتور 0H5CC1026101 و شماره شاسی N2G***125R9210792 به نام **علی عصار زاده نوقانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پروانه اشتغال به کار نظام مهندسی به شماره ۱۰۰۰-۳۰۰-۱۰-۰ متعلق به **اینجانب محمد آقا معزی** به کدملی ۰۳۸۲۰۴۶۸۷۰ و شماره عضویت ۱۱۱۶۰-۳۰۰-۱۰-۰ به تاریخ اعتبار ۲۸/۰۱/۹۲ جهت کار در استان تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از یابنده تقاضا می شود آن را به سازمان نظام مهندسی استان تهران تحویل دهد

پروانه اشتغال به کار نظام مهندسی به شماره ۱۰۰۰-۳۰۰-۱۰-۰ متعلق به **اینجانب محمد آقا معزی** به کدملی ۰۳۸۲۰۴۶۸۷۰ و شماره عضویت ۱۱۱۶۰-۳۰۰-۱۰-۰ به تاریخ اعتبار ۲۸/۰۱/۹۲ جهت کار در استان تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از یابنده تقاضا می شود آن را به سازمان نظام مهندسی استان تهران تحویل دهد

ادامه از صفحه اول

اندر حکایت مذاکره نیابتی

تحقق این مهم به معنای پایان پروژه ایران‌هراسی است که تاکنون منافی انکار‌نشدنی برای آن رژیم داشته است. طرفه آنکه روابط دو کشور که یکی متحد و دیگری دشمن ماست، بدون هیچ نگرانی از ایران، در راین‌ترین سطح سیاسی، امنیتی و نظامی قرار داشته و راین‌ترین فشرده آنها در مسائل خاورمیانه از چشم ناظران و تحلیلگران پوشیده نبوده و تل‌آویو و مسکو ابایی از علنی‌کردن آن ندارند. تحولات سوریه و بمباران‌های مکرر مواضع ایران در این کشور، از مصادیق این روابط است. سکوت عامدانه ضدهوایی‌های پیشرفته روسیه در مقابل گستاخی حملات هوایی اسرائیل و حمله به هر نقطه‌ای از سوریه که جای پایی از ایران در آن باشد، در هماهنگی انکار‌نشدنی اسرائیل و روسیه صورت می‌گیرد. سه سال قبل وزیر دفاع روسیه در کنار همتای اسرائیلی به‌صراحت اعلام کرد حضور نظامی ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی خط قرمز مسکو است. در روابط روسیه با ایران، غیر از رژیم صهیونیستی، خطوط قرمز دیگری هم وجود دارد. روسیه همسو با کشورهای غربی، دستبایی ایران به سلاح هسته‌ای را حتی ورود ایران به باشگاه هسته‌ای را خط قرمز خود می‌داند.

در عرصه انرژی نیز ایران بزرگ‌ترین رقیب روسیه در صادرات گاز است و چنانچه شاهدیم این مزیت بزرگ ایران در چنینه سیاست خارجی غرب‌ستیز، خط قرمز را برای روسیه برای جایگزینی ایران در صادرات گاز فراهم کرده است. روان‌شناسی نوع تعامل رهبران حاکم‌بر کرملین با ایران نیز حاوی درس‌های آموزنده‌ای است. در اوایل جنگ تحمیلی و در اوج موشک‌باران شهرهای بی‌دفاع ایران، ورتسلف، قائم‌مقام وزیر خارجه شوروی، با سگ‌راهی از‌حل جلوگیری از موشک‌باران مردم بی‌دفاع شهرها توسط موشک‌های اسکاد روسی را به تغییر راهبرد ایران در حمایت از مجاهدین افغانستان سنجاق کرد. سفر قوام‌السلطنه به اتحاد جماهیر شوروی پس از تصمیم سران دولت‌های اشغالگر جهت بیرون بردن ارتش‌های خود از ایران، یکی دیگر از درس‌آموزترین فرآیندهای تاریخ روابط دو کشور و روش‌شناسی سیاسی رهبران همسایه شمالی در قبال ایران است. به گفته هم‌راهان قوام، نخست‌وزیر ایران پس از ورود به کرملین و استقبال از سوی مولوتف، جهت دیدار با مارشال استالین به دفتر کار او برده می‌شود. در اتاق انتظار مارشال استالین چند دقیقه‌ای منتظر می‌ماند. پس از بازشدن در استالین در حال تماشا نقشه‌ای روی دیوار و پشت به هیئت، به نخست‌وزیر ایران بی‌احترامی می‌کند. با سرفه مولوتف که احتمالاً همه اینها صحنه‌سازی بوده و از قبل طراحی شده بود، استالین به‌سوی قوام می‌آید. پس از صحبت چنددقیقه‌ای، ملاقات را به دو ساعت دیگر در ساعت ۱۱ نیمه‌شب حواله می‌دهد. بقدر ماجرا از برگ‌های مشعشع سفری تاریخی است. قوام به مترجم دستور می‌دهد به مولوتف بگوید به علت توهین به نخست‌وزیر ایران، به تهران بازمی‌گردد و ملاقاتی صورت نخواهد گرفت. ورق برمی‌گردد. مارشال استالین با مشاهده عزم قوام، صحنه را تغییر داده و ملاقات با قوام را در دعوت وی به شام تغییر می‌دهد. روشن است تعریض فوق به‌معنای نفی رابطه با مهم‌ترین همسایه کشور نیست. رابطه با همسایه شمالی حتی در زمان رژیم گذشته با تمام وابستگی به غرب، هیچ‌وقت کنار گذاشته نشد. نمونه‌های همکاری‌های صنعتی و حتی لجستیکی نظامی بر این مدعا گواه است. دستور سفر مدیریت سیاست خارجی و نحوه هدایت آن برای تأمین حداکثری منافع ملی و از آن مهم‌تر حفظ کرامت ملت بزرگ و سربلند ایران در شرایط پرمخاطره روابط بین‌الملل است. کافی است جناب رئیسی به سازمان‌های مربوطه دستور دهد به میان مردم رفته و با نظرسنجی کم‌هزینه، بازخورد رفتار نماینده روسیه در وین را در غروری ملی آحاد کشوری که ریاست بر آن را بر عهده گرفته، به مقامات کشور گزارش کنند. چند سال قبل در پاسخ به سوآل خبرنگاری گفتم

سیاست خارجی «نگاه به شرق نیست، ذوب‌شدن در شرق» است که در تئوری و عمل هیچ نستبی با قانون اساسی نیست. ندارد. در آستانه سفر جناب رئیسی به قزوین قرار داریم. این سفر در مقطعی بسیار حساس انجام می‌شود. روسیه در تقابل با آمریکا به‌شدت نیازمند بازی با کارت ایران است؛ ضمن اینکه نوع تعامل ایران با روسیه و توافقاتی که صورت خواهد گرفت نیز در راهبرد غرب درباره ایران تعیین‌کننده خواهد بود. در کنار برنامه‌های روسیه و آمریکا، ایران با وجود همه مشکلات، کارت‌های بازی بسیاری در دست دارد. ایستادگی در مقابل زاده‌خواهی غرب، روی برجسته سکه سیاست خارجی است. درباره فولاید و مضرات این رویکرد سخن بسزیا گفته شده ولی آنچه مشخص است، این است که ادامه این رویکرد، فرصت‌سوزی و راه بازنگرن برای رقبای منطقه‌ای است که به صلاح کشور نیست. نه غرب آن‌چنان سپیاه و پلید است که ما می‌گوییم و نه شرق فرشته‌ای است که می‌نماید و اساساً انگاره‌هایی از این قسم در دنیای واقع موجود نیستند. منافع حداکثری، راهبرد همه کشورها در سیاست خارجی است و برای تأمین گزاره‌ای تحت عنوان «دوست و دشمن دانمی» وجود ندارد. رهبران مددتی که ایران نیز باید آن را ملمیح نظر قرار داده و با رویکرد «موازنه مثبت» از امکانات همه کشورهای جهان به شمول چین، روسیه، آمریکا، هند، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و… برای آبداننی و توسعه کشور استفاده کند.

ادامه در صفحه ۵